

آشنایی تازه با یک متن قدیمی

■ موسیقی سنتی ایران، نوشته پروفیسور هرمز فرهنگ، ترجمه مهدی پورمحمد، تهران، انتشارات پارت، ۱۳۷۸، دوهزار نسخه، ۴۸ صفحه، مصور.

● رامین تهرانی



است که این فواصل را، فواصل سازنده در موسیقی ایرانی می‌شناسد. در کتاب بعدی او به نام *The Dastgah Concept in Persian Music* (چاپ انگلستان، کمبریج، ۱۹۹۰) این موضوع دقیق‌تر و مفصل‌تر بررسی شده است. دوازده دستگاه موجود در موسیقی امروز ایرانی همراه با طرح مودال آنها به خط نت، ارائه شده‌اند و مباحثی چون پیش در آمد، چهار مضرب، تصنیف و رنگ، آواز و سبک آوازی و سازهای مهم موسیقی است و کتاب‌هایی درباره موسیقی ایرانی از وی به زبان انگلیسی منتشر شده است.

□ اما این جزوه ۴۸ صفحه‌ای در قیاس با دیگر آثار فرهنگ و در قیاس با بسیاری از کتاب‌های چاپ شده بعد از انقلاب، اثر چندانی مهمی نیست. این کتاب در زمان خود برای علاقمندان انگلیسی زبان یک بروشور کامل و راهنمای عالی برای شناخت موسیقی ایرانی به حساب می‌آمد و هنوز هم تا حدودی اعتبار خود را دارد. این جزوه می‌توانست به صورت یک مقاله مفصل در یک فصلنامه پژوهشی موسیقی چاپ شود؛ نه به صورت کتاب؛ و حتماً دکتر فرهنگ که سال‌ها در دانشگاه‌های خارج از کشور به سر برده‌اند، ماهیت و کارکرد «کتاب» را (چه در شکل ظاهری و چه محتوای آن) و تفاوتش را با مجله و بولتن بهتر از هر کس می‌دانند. واقعیت این است که سال‌های سال است که پروفیسور فرهنگ با آنچه که تحت عنوان موسیقی در ایران می‌گذرد هیچ ارتباط و اعتنایی ندارد، و حتی نامه‌های خود را ترجیحاً به زبان انگلیسی می‌نویسد! این عیب او نیست، عیب ماست که نمی‌توانیم با استادان معترمان در مجامع علمی دنیا، گفت و گوی مشترکی داشته باشیم. در حالی که درد مشترکی داریم و آن موسیقی ایرانی است.

اصل این متن که به زبان انگلیسی است، سال‌های سال در اختیار دانشجویان رشته موسیقی بود. البته کتاب چاپ ایران (وزارت فرهنگ و هنر، سال ۱۳۵۲) است و گویا برای مطالعه شرکت‌کنندگان در جشن هنر شیراز نوشته شده است. آن روزها نام معتبر پروفیسور هرمز فرهنگ، آشنای تمام دوستداران موسیقی جدی و دوستداران جدی موسیقی بود. هرمز فرهنگ (متولد ۱۳۰۷ - تهران) چهره‌ای برجسته از دومین نسل موسیقیدانانی بود که در خارج از کشور تحصیل کرده بودند. او اولین موسیقیدان تحصیل کرده ایرانی در کالج‌های آمریکاست. فرهنگ در سال‌های ۱۹۵۰ در دانشگاه میلز Milles شاگرد آهنگساز بزرگ فرانسوی داریوس میلو Darius Milhaud بود. در سال ۱۳۳۷ به ایران بازگشت و بعد از ملاحظه اوضاع آشفته موسیقی در ایران و بخصوص مسائل موسیقی رادیو تهران، مقاله چنجالی «این موسیقی عجیب» را در مجله موزیک ایران چاپ کرد که موجی از مخالفت و موافقت را برای موسیقیدان جوان پیش آورد. هرمز فرهنگ در آن سال‌ها با استادان بزرگ موسیقی ایران: علینقی وزیری، ابوالحسن صبا، روح‌الله خالقی، نصرالله زرین‌پنجه، حسین صبا و... ارتباط برقرار کرد و با نواختن سه تار و سنتور آشنا شد. فرهنگ، نظری دانی معتبر و آهنگسازی با شهرت بین‌المللی در سطح آکادمی‌های معروف موسیقی جهان است. آثار او در ایران و در کشورهای خارج اجرا شده ولی انتشار وسیع نداشته‌اند. جالب اینکه بدانییم موسیقی متن فیلم «گاو» (اثر داریوش مهرجویی - ۱۳۴۸) نیز اثر او است که از اولین نمونه‌های موسیقی غیرمتعارف برای سینمای ایران آن روزگار به شمار می‌آمد.

شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرفیسور هرمز فرهنگ تا سال ۱۳۵۷ رییس دپارتمان موسیقی دانشگاه تهران (دانشکده هنرهای زیبا) بود و در چند دانشگاه دیگر نیز به عنوان استاد و معاونت هنری، خدمت می‌کرد. وی در تابستان ۱۹۷۹ ایران را ترک کرد و در دانشگاه‌های بلفاست و دابلین به سمت استاد و رییس دپارتمان کارکرد و در سال ۱۳۷۴ بازنشسته شد. او هم‌اکنون به تحقیق و پژوهش مشغول است. کتاب، بعد از یک مقدمه کوتاه، به شرحی از تاریخ موسیقی در ایران می‌پردازد، موسیقی دوره ساسانی تا موسیقی دوره قاجار در چند پاراگراف فشرده، با ایجاز و رسایی، شرح داده شده‌اند و بعد، نتایجی که نویسنده از برخورد موسیقی ایرانی با موسیقی غربی به دست آورده است، عنوان می‌شوند. بعد از تاریخ، نوبت مبحث تئوری است و شرح موجزی از نظام ۱۷ پرده‌ای موسیقی قدیم ایران و ارتباط سیستم کنونی موسیقی ایرانی با سیستم باستانی ارائه می‌شود؛ به ویژه اشاره‌ای که به «گام» به اصطلاح ۲۴ ربع پرده‌ای شده، با در نظر داشتن لحن صادق و صریح آن، حائز اهمیت و شایسته توجه است. نویسنده قائل به پنج فاصله اساسی در موسیقی ایرانی

به نگاه خوش آمدی

■ به نگاه خوش آمدی

■ پرویز شاپور

■ انتشارات گل آقا، چاپ اول، ۱۳۷۸



پرویز شاپور، نگاه خوش آمدی و مطالعات فرهنگی

به طبیعت درونی رسیده است و به آن ابعاد انسانی بخشیده. مثل سکوتی که صدای پارانی شنود، یا دودی که از سقوط بالا می‌رود و یا سقوطی که در آبشار آبتنی می‌کند. کاریکلماتورهای ارائه شده در اثر حاضر به طور درهم پیش روی خواننده گذاشته شده است. از جمله کاریکلماتورهای مورد اشاره می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد.

قاه قاه خنده‌ام نمی‌گذارد هق هق گریه‌ام را بشنوی
تصویرم در برابر آینه لبخند زان غرق تماشا شیم
شده است
شگفتا! از درختی پایین می‌آیم که هرگز از آن بالا
نرفته‌ام

آب تشنه در سراب غرق می‌شود
کاغذی را که سفید است به دلخواه خودم می‌خوانم
تا به مقصد نرسم، گام برمی‌دارم
کتاب حاضر در قطع رقعی، با قیمت ۷۰۰ تومان و
شمارگان ۲۲۵۰ جلد منتشر شده است.

کاریکلماتور - نام پیشنهادی احمد شاملو -
تلفیقی است از کلمه و کاریکاتور، یعنی کاریکاتوری که
با کلمات بیان می‌شود. با مطرح شدن کاریکلماتور،
پرویز شاپور به عنوان طنزنویس شناخته شد و اولین
کتاب کاریکلماتور وی در سال ۱۳۵۰ توسط انتشارات
نمونه در تهران به چاپ رسید.

پرویز شاپور علاوه بر طنزنویسی، به کاریکاتور نیز
روی آورد. کاریکاتورهای او طرح‌های ساده اما عمیق و
ظریف از اشیاء و موجودات اطراف ما بودند. کتاب حاضر
(کاریکلماتور، کتاب هفتم)، زمانی به چاپ رسیده است
که پرویز شاپور نگاه از ما برگرفته و خود از میان ما رفته
است. کاریکلماتورهای وی همیشه از دریچه طنز دیده
شده، اما این بار از دریچه شعر به آنها نگاه شده است.
کاریکلماتور به عنوان شاخه‌ای از درخت تناور ادب
فارسی یا تلاش وی و دوستانش سر برآورده و با طبیعت
و شرح شورانگیز آن به زیرکانه‌ترین بیان آراسته شده
است و به قولی، طبیعت شاپور در کاریکلماتورها
طبیعتی انسانی است. وی از طبیعت بیرونی عبور کرده و

رسمی ایرانی (موسیقی رسمی به عنوان موسیقی
غیربومی) شرح داده شده‌اند، حدود ۲ صفحه به
«موقعیت کنونی موسیقی ایرانی» اختصاص داده شده
که البته این موقعیت «کنونی»، در واقع شرح موقعیت
موسیقی در ایران سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ است.
مترجم محترم برای اینکه مطلب به قول معروف زیاد
توی ذوق نزند، تمام فعل‌های موجود در این نوشته را که
عندالاقضا افعال مضارع هستند، به زمان ماضی
برگردانده، بدون اینکه این کلمه «کنونی» را با کلمه
دیگری عوض کند. متن جزوه پروفیسور فرهت از
پپچیدگی علمی و کلامی خاصی برخوردار نیست، ولی
ترجمه حاضر هم چنان خام و ناویراسته است. احتمالاً
مترجم محترم با موسیقی آشنایی داشته‌اند ولی با فن
ترجمه و ویرایش متن و نظارت بر آن تا مرحله چاپ
هیچ تجربه و دقتی نداشته‌اند. شمار غلط‌ها در یک
جزوه ۴۸ صفحه‌ای قابل توجه است؛ کرون به جای کُرُن
(ص ۱۸) ساختار وزنی و ملودیک به جای ساختار وزنی
و نمگی یا ریتمیک و ملودیک (ص ۲۵)، رستال به
جای رستیال (ص ۳۹) و استفاده فراوان از افعالی نظیر
«می‌باشد» و «گردیدن» و... ناهماهنگی زبان و
رسم‌الخط در کتابشناسی، آشفتگی در ساده‌ترین
جملات، در جای جای کتاب، خواننده را می‌آزارد به طور
مثال: «خوانندگان بزرگ دو نسل پیش مانند زنان، قمر و
از مردان، طاهرزاده در بین نسل جوان بعدی همپایه‌ای
پیدا نکرده‌اند» (ص ۳۶). در حالی که می‌توانست این
طور نوشته شود: «خوانندگان بزرگی نظیر قمر (از زنان) و
طاهرزاده (از مردان) دو نسل پیش، در نسل جوان بعدی
هنوز همپایه‌ای پیدا نکرده‌اند».

کتاب از لحاظ فن نشر نیز قابل توجه است. حروف و
فاصله بین سطرها خوشخوان نیستند، عکس‌های
مربوط به سازها به طرز بی‌ربطی لابلای مطالبی آمده
که درباره سازها نیست. طوری که خواننده باید یک بار
مطالب را بخواند و یک بار دیگر «کتاب» را برای دیدن
عکس‌ها ورق بزند. حتی عنوان روی جلد نیز خالی از
اشکال نیست. عبارت «موسیقی سنتی ایران» که به
شیوه مرضیه شمع وگل و پروانه خطاطی شده، به
زحمت خواننده می‌شود و بالای عبارت، آمده:

«نویسنده: پروفیسور. هرمز فرهت»؛ گذشته از اینکه
ذکر عنوان پروفیسور در نوشته‌های فارسی برای
نویسندگان ایرانی معمول نیست، حکمت وجود آن نقطه
را مابین کلمه پروفیسور و نام نویسنده را نیز در نیافتیم.
به نظر نمی‌رسد که چاپ این جزوه ۴۸ صفحه‌ای
حتی به این شکل مورد تایید نویسنده آن باشد چرا که
هرمز فرهت همیشه معتقد به کار پرکیفیت و بدون
چنجالی بود و از کتابسازی دوری می‌کرد. با اینکه همه
گونه امکانات و اختیارات در ایران داشت و از لحاظ علمی
نیز از بسیاری افراد جلوتر بود. چنین ترجمه‌هایی با
چنین کیفیت در نشر و ویرایش و با این وضع
کتاب‌پردازی، نه تنها کمکی به رشد فرهنگ در
موسیقی نخواهد کرد، بلکه لطمه‌ای جدی به ناخودآگاه
جمعی فرهنگی ما خواهد زد و در این بین، تنها کسانی
که گناهی ندارند، همانا نویسنده دور از وطن است
خواننده وطنی.